سبک زندگی در روستاها، شهرها و استان های ما (بخش دهم)

بیا تا پیراهن مُراد به تن کنیم

آداب و رسوم ماه مبارک رمضان یکی از مباحث مهم فرهنگ مردم است که به واسطه قدمت خود، از قداست ویژه ای برخوردار است. متأسفانه در زندگی شهری و ماشینی، بسیاری از این سنت‌های زیبا به بوته فراموشی سپرده شده اند و بسیاری دیگر نیز کم رنگ تر شده‌اند و از آنجا که این رسوم زمینه ساز همبستگی در جامعه به ویژه در میان آحاد ملل مسلمان است، اهمیت فراوانی نیز دارد.

آداب و رسوم رمضان در اصفهان

پوشاندن پیراهن مراد بر تن حاجتمندان

مردم استان اصفهان در اواخر ماه شعبان با نظافت و خانه‌تکانی، نظافت اماکن عمومی، نظافت شخصی و تهیه مایحتاج ماه رمضان به پیشواز ماه مبارک می‌روند و خود را برای میهمانی خالق مهیا می کنند. همچنین برای استفاده هرچه بهتر از ایام و لیالی این ماه مبارک و تزکیه نفس، از وعاظ و روحانیون دعوت می کنند و در مساجد و حسینیه‌های استان، منابر وعظ و سخنرانی برپا می‌شود. در اکثر مساجد برنامه‌های منظم قرائت قرآن برپا می‌شود. در بسیاری از منازل نیز این گونه برنامه‌ها رایج می‌شود.

از مراسم فرح بخش این ماه، بیدارشدن هنگام سحر و سحری‌خوردن است. در گذشته مردم با صدای بانگ خروس، صدای نقاره یا طبل و شیپور یا با خواندن سوره یاسین و طه بیدار می‌شدند یا این که همسایه‌ها همدیگر را با کوبیدن در منزل یا دیوار خانه بیدار می کردند یا این که با صدای توپ یا صدای مناجات بیدار می‌شدند.

ولی امروزه صدای زنگ ساعت و صدای زنگ تلفن یا صدای روشن شدن تلویزیون که از قبل تنظیم شده است، مردم را برای سحر بیدار می کند.

در اکثر مناطق ایران هنگام سحر، صدای مناجات و سحرخوانی فضایی بسیار دلپذیری به‌وجود می‌آورد و همه خفتگان را از خواب بیدار می کند و آنها را به یاد پروردگار می‌اندازد. سحرخوانی در گذشته، در بام منازل انجام می‌شد، اما امروزه بلندگوی مساجد و منازل صدا را به همه نقاط می‌رساند.

افطاری‌دادن یکی از رسوم پسندیده‌ای است که از دیرباز در میان مردم این استان مرسوم بوده و کسانی که توانایی دارند یک یا چند روز از ماه رمضان را افطاری می‌دهند. در ایام شهادت مولای متقیان حضرت علی علیه‌السلام، مردم اصفهان همانند سایر مردم ایران اسلامی، غرق در ماتم و عزا هستند.

همه‌جا سیاهپوش می‌شود، هیات‌های عزاداری تشکیل می‌شوند و دسته‌ها به‌راه می‌افتند. کسب‌وکار و بازار یکسره تعطیل شده و عزاداری در این سه روز ادامه دارد.

در این شب‌ها که مصادف با لیالی قدر است، مردم تا سحر به‌درگاه خدا دعا و نیایش می کنند و بر قاتلان علی علیه‌السلام لعن می‌فرستند و در تمام مساجد و حسینیه‌های استان در سوگ مولای خود به نوحه‌سرایی و عزاداری می‌پردازند. در جریان مراسم شب‌های قدر، دعاهایی که مخصوص این لیالی است و همچنین سوره‌هایی از قرآن مجید قرائت می‌شود.

خواندن نماز قضا، نماز نافله شب و نماز هفت قل هوالله نیز از جمله برنامه‌های این شب‌هاست. برخی نیز با هم صحبت می کنند ولی تا سحر بیدار می‌مانند.

قرآن به‌سر گرفتن یکی دیگر از آیین شب‌های قدر است که در سراسر کشور اجرا می‌شود.

از دیگر مراسم مخصوص این ماه که در اصفهان برگزار می‌شود می‌توان از مراسم شب‌نیمه، رسم هومبابایی و دوختن پیراهن مراد نام برد.

مراسم شب‌نیمه

در کاشان در شب پانزدهم ماه رمضان، بچه‌ها و نوجوانان به در منازل می‌روند و جملاتی را با هم می‌خوانند و از صاحبخانه هدیه‌ای را درخواست می کنند. هدایا از قبیل پول و شیرینی و سایر خوراکی‌هاست.

رسم هومبابایی

این رسم در بسیاری از شهرهای استان ازجمله کاشان برگزار می‌شده است. این رسم توسط بچه‌ها و جوان‌ها از شب اول ماه رمضان آغاز و تا شب پانزدهم که آن را شب‌نیمه می گویند، ادامه دارد. بچه‌ها و جوان‌ها در دسته‌های مختلف ۴ تا ۲۰ نفره به هومبابایی می‌روند.

این عده بعد از افطار در محل معینی جمع می‌شوند و یک نفر را به‌عنوان صندوقدار برای جمع‌آوری پول و خوراکی‌ها و یک نفر را به‌عنوان میدان‌دار برای خواندن ابیاتی انتخاب می کنند.

بقیه جوان‌ها نیز باید هم‌صدا، جواب میدان‌دار را بدهند. آنها به هر خانه‌ای که رسیدند، در خانه را می کوبند و شروع به خواندن می کنند و بچه‌ها جواب می‌دهند. بچه‌ها عبارت «هومبابا، هومبابا» را بعد از هر بیت میدان‌دار تکرار می کنند.

دوختن پیراهن مراد

این مراسم اغلب روز ۲۷ ماه رمضان در اکثر شهرها و روستاهای استان برگزار می‌شده است. زن‌هایی که مریضی داشته، یا بچه‌دار نمی‌شدند یا این که بچه آنها در کودکی می‌مرده است، پیراهن مراد می‌دوخته‌اند. زنی از بستگان بیمار پارچه‌ای را به مسجد می‌برد و بعد از نماز مغرب و عشا آن را می‌بریدند و می‌دوختند. سپس از روحانی مسجد می‌خواستند که روضه حضرت ابوالفضل علیه‌السلام بخواند و بیمار را دعا کند. آنگاه همه رو به قبله آیه «امن یجیب...» را می‌خواندند و صاحب نذر مقداری خرما بین مردم تقسیم می کرد. بعد روحانی با عده‌ای به دیدن بیمار می‌رفتند و برای او دعا کرده و پیراهن را به تن او می‌پوشاندند و معتقد بودند که خدا او را شفا خواهد داد.

سحرخوانی یکی از رسوم قدیمی مردمان خطه کویر است که از دیرباز، جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های ماه رمضان داشته است. اشعاری که گاهی هنوز هم در سحرهای ماه رمضان، از گلدسته‌های رفیع شهر شنیده می‌شود: «گفتی که تو را عذاب خواهم فرمود، من در عجبم که در کجا خواهد بود/ آن جا که تویی عذاب نبود آن جا، آن جا که تو نیستی کجا خواهد بود»

همچنین در کاشان رسم بود که شب ۲۷ ماه رمضان، زنان تازه‌عروس را برای سفیدبختی به مسجد می‌بردند. سعی داشتند عروس را در صف اول جماعت جای دهند. پس از خواندن نماز مغرب و عشا، مقداری شیرینی یا خرما بین نمازگزاران تقسیم می کردند. آنگاه عروس را به خانه باز می گرداندند و معتقد بودند که بین زن و شوهر هرگز جدایی نمی‌افتد و همیشه در صلح‌وصفا به‌سر خواهند برد.

از گذشته همزمان با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان در اکثر مناطق شرق اصفهان آداب و رسوم ویژه محلی برگزار می‌شد. متاسفانه گذر زمان روی برخی از این آداب و رسوم گرد فراموشی نشانده و بعضی از آنان همچنان به قوت خود باقی است. برای نوعروس، مراسم ویژه شب بیست‌وهفت و پختن نان جو از جمله این رسوم است که همچنان در این ماه برگزار می‌شود.

افطاری برای نوعروس (برآن جنوبی)

در منطقه برآن جنوبی و بین اکثر مردمان محلی این منطقه با آمدن ماه رمضان، خانواده تازه‌داماد در تدارک بردن افطاری در اوایل ماه به خانه نوعروس هستند. در این مراسم بزرگان فامیل داماد با در دست داشتن سینی‌های افطاری (میوه، حلیم، آجیل، پشمک و...) و همچنین هدایا به خانه عروس می‌روند و هدایا را در وسط خانه روی سفره‌ای بزرگ قرار داده و یکی از بزرگان به معرفی هدایا می‌پردازد. در ادامه پس از طی چند شب این مراسم توسط خانواده عروس به‌سمت خانه داماد تکرار می‌شود.

مراسم شب‌بیست‌وهفتم (حسن آباد)

در حسن‌آباد جرقویه از قدیم رسم بر آن بود که در شب بیست‌وهفتم ماه رمضان مردان بعد از غروب آفتاب به‌در خانه همسایه‌ها رفته و با خواندن شعری با مضمون درخواست نعمت برای آن خانواده از آن خانه هدایایی از قبیل (پول، خرما، شیرینی، کشمش و...) دریافت می کردند. ولی به‌مرور زمان این رسم امروزه بیشتر از طرف نوجوانان و جوانان اجرا می‌شود. در این زمان نوجوانان به‌همراه دوستان خود به‌در خانه همسایه‌ها می‌روند و بعد از دریافت هدایا آنان را بین خود تقسیم می کنند

پختن نان جو (در کلیه مناطق شرق)

این رسم هنوز در تمامی مناطق شرق اصفهان خصوصا روستاهای این مناطق به قوت خود پابرجاست. در روز چهاردهم ماه رمضان مردان با بردن دانه‌جو به آسیاب، آرد جو را برای پختن نان نذری به‌منازل می‌آورند. زنان از عصر روز چهاردهم ماه به پختن نان می‌پردازند و نان آماده شده را به‌همراه خرما به‌مساجد برده و با نیت افطاری بین نمازگزاران تقسیم می کنند

کلیدزنی در شب‌های ماه رمضان

سیرجانی‌ها در برپایی آیین‌های سنتی همیشه نقش موثری را در تاریخ دیار کرمان ایفا کرده‌اند، اجرای مراسم‌های گوناگون در ایام ماه مبارک رمضان و عید نوروز در سیرجان، تاج دیار کریمان رونق بسیاری داشته‌است. این رفتارها و سنت‌ها در زندگی مردم سیرجان همیشه وجود داشته است اما در دنیای مدرن امروز، دیگر مردم از این سنت‌ها فاصله گرفته‌اند و کم‌کم این رسم و رسوم و آیین‌ها در حال فراموشی است.

در ماه مبارک رمضان نیز مساجد در سیرجان رونق بیشتری به‌خود می گرفت و در اوایل این ماه مبارک همه مردم برای غبارروبی مسجد با شوق خاصی فرش‌ها و لوازم مسجد را رفت‌وروب می کردند. اما امروزه برداشت ما از مساجد تنها جنبه‌مذهبی دارد. نسل جوان با اندیشه‌های مدرن انگیزه‌ها را برای رونق‌بخشیدن به مساجد به مخیله فراموشی سپرده‌اند و این می تواند یک آسیب جدی برای نسل جوان ما باشد.

سنت کلیدزدن سیرجانی‌ها در ماه رمضان

کلیدزنی یکی از آداب و رسوم مردم استان کرمان به‌خصوص سیرجان است که در شب‌های ماه مبارک برگزار می‌شد، در این مراسم «کلید زن» داخل یک سینی، آینه، سرمه‌دان و یک جلد کلام‌الله مجید قرار داده و به منازل اهل محل می‌رود و در حالی که صورت خود را با چادر پوشانده با کلید به سینی می‌زند.

این مراسم در سیرجان قدیم و به‌طور ویژه به زنان حاجتمند اعم از بیوه‌زنان، دوشیزگان جوان دم‌بخت یا زنان بی‌فرزند اختصاص داشته است، بدین گونه که درون یک کِمو(الک) یک قطعه آینه، یک عدد سرمه‌دان و قدری نبات می گذاشتند و در حالی که صورت‌های خود را می‌پوشاندند تا کسی آنها را نشناسد، در محله‌ها به‌در خانه‌ها می‌رفتند.

مردم سیرجان در قدیم عقیده داشتند، خوراکی‌هایی که کلیدزن‌ها از خانه‌ها جمع می کردند، خواص بسیاری دارد و اگر شخصی حاجتمند با عقیده و ایمان از آنها مصرف کند به کمک خداوند حاجتش روا می‌شود.

مردم خطه کهن‌آران و بیدگل، از دیرباز رسوم مذهبی و آیین‌هایی داشته‌اند که بعضی از آنها زبانزد است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

سحرخوانی

سحرخوانی یکی از رسوم قدیمی مردمان خطه کویر است که از دیرباز، جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های ماه رمضان داشته است. اشعاری بسیار کهن از مردمان آران و بیدگل باقی مانده است که گاهی هنوز هم در سحرهای ماه رمضان، از گلدسته‌های رفیع شهر شنیده می‌شود: «گفتی که تو را عذاب خواهم فرمود، من در عجبم که در کجا خواهد بود/ آن جا که تویی عذاب نبود آن جا، آن جا که تو نیستی کجا خواهد بود».

آیین قاشق‌زنی

در ایام قدیم افرادی با کوبیدن چوب به قابلمه‌ها در سحرگاه، در کوچه‌ها می گشتند و مردم را از خواب بیدار می کردند. آیین قاشق‌زنی نیز از دیگر آیین‌های این ماه مبارک در شهرستان آران و بیدگل بود که طی آن، زنان محله‌ها نیز با روی پوشیده به در منازل می‌رفتند و با در دست گرفتن قابلمه و قاشقی، مقدار اندکی آذوقه جمع‌آوری کرده و آن را مبارک می‌دانستند.

در ایام قدیم افرادی با کوبیدن چوب به قابلمه‌ها در سحرگاه، مردم را از خواب بیدار می کردند. آیین قاشق‌زنی نیز از دیگر آیین‌های این ماه مبارک بود که طی آن، زنان محله‌ها نیز با روی پوشیده به در منازل می‌رفتند و با در دست گرفتن قابلمه و قاشقی، مقدار اندکی آذوقه جمع آوری کرده و آن را مبارک می‌دانستند

آیین جزءخوانی

در گذشته‌ها، جزءخوانی یکی از آیین‌های مرسوم بوده‌است و معمولا خانواده‌ها در کنار یکدیگر، کوچک و بزرگ به‌این کار اقدام می کردند. در ایام رمضان جلسات قرآن محلی هم رونق می گرفت. مردم به فکر فقرا و همسایگان نیز بودند و سفره‌های افطار و سحر را در مساجد و خانه‌ها می گستردند.

آیین‌های نیمه‌رمضان

در روز نیمه ماه مبارک رمضان نیز که مصادف با میلاد امام‌حسن‌مجتبی(ع) است، تازه‌دامادها برای نوعروسان هدیه آورده و به میمنت این روز، جشن می‌گرفتند.

کودکان شهر در نیمه‌های ماه رمضان، به‌همراه بزرگترها در سحرگاهان به‌مساجد می‌آمدند و آیینی به‌نام «هومبابایی» را به میمنت میلاد کریم اهل‌بیت امام‌حسن(ع) و به پاسداشت روزه‌داری خود برگزار می‌کردند.

آنها با خواندن اشعاری مانند «امشب شب‌نیمه است که ما مهمانیم هوم بابا هوم ننه، هدیه ماست که ما شادانیم هوم بابا هوم ننه، دست در کیسه کن اشرفی را خرده کن، یکی بده به من یکی بده به‌اون هوم بابا هوم ننه، تا که همه راضی شوند از در خانه‌ات راهی شوند هوم بابا هوم ننه» به در خانه‌ها رفته و از بزرگترها عیدی می‌گرفتند.

آداب و رسوم رمضان در کهگیلویه

رمضان در باور و فرهنگ مردم کهگیلویه و بویراحمد همواره با برخی سنت‌ها و آداب و رسوم کهن همراه بوده است که نشان از اهمیت این ماه نزد مردم این خطه دارد. مردم استان بنا بر سنتی دیرینه چند روز مانده به آغاز رمضان با روزه‌داری به پیشواز ماه میهمانی خدا می‌روند زیرا معتقدند با این کار، باب مهیا شدن برای ماه خودسازی باز می‌شود.

مردم استان در حالی در تابستان امسال به ضیافت رمضان می‌روند که دمای هوا در برخی شهرستان‌های گرمسیری استان بعضی روزها از مرز ۴۶ درجه عبور می کند، با این وجود شوق و ذوق در چهره آنها نمایان است.

در سال‌های نه‌چندان دور کشاورزان با زبان روزه در اوج گرما در زمین‌های خود مشغول کار بودند و برای این که شدت تشنگی آنها را از کار باز ندارد، مشک کوچکی از آب به شکم خود می‌بستند تا کمی خنک شوند و کمتر احساس عطش کنند.

گرمای هوا، قرار گرفتن عشایر در ییلاق‌ها، رمضان در کوره‌دهات و آبادی‌ها، روزه گرفتن در سیاه‌چادرهای عشایر و این که گاهی رمضان با زمان کوچ یا فصل درو در روستاها همراه است که این خود به حلاوت روزه نزد روزه‌داران می‌افزاید.

خانه‌تکانی یکی از آداب و رسومی است که مردم این استان پیش از ماه مبارک رمضان انجام می‌دهند. پیش از فرارسیدن این ماه، کهگیلویه و بویراحمدی‌ها به زدودن آلودگی از چهره خانه و محله خویش می‌پردازند، درواقع با نظافت و خانه‌تکانی به پیشواز بهار قرآن می‌روند تا بتوانند با فراغت و آسودگی خیال به انجام تکالیف دینی خویش بپردازند.

پاکیزگی تنها به محیط خانه محدود نیست و پیر و جوان با طیب خاطر در نظافت اماکن عمومی محله خود مشارکت می کنند و مساجد و تکایا را جهت برگزاری مراسم گوناگون ماه رمضان آماده می کنند، خادمین مساجد، مسجد را آب و جارو کرده و زیلوها، فرش‌ها و گستردنی‌های داخل شبستان را می‌تکانند و ظروف و وسایل آبدارخانه را شست‌وشو می‌دهند. در امر نظافت شخصی نیز، همگان اهتمام می کنند که شب قبل، غسل ورود به رمضان را انجام دهند.

در کهگیلویه و بویراحمد، زنان روستایی در ماه رمضان مانند عیدنوروز که منازل خود را غبارگیری می کنند، اقدام به غبارروبی مساجد می کنند، زنان مومنه بر این اعتقادند خانه‌ای که برای شروع ماه رمضان پاک و تمیز نباشد، خیر و برکت ماه میهمانی خدا از آن گریزان می‌شود.

نگریستن به آیینه و نذر صلوات و دیگر ذکرها پس از رویت هلال ماه بین مردم استان مرسوم است. زیرا آنها معتقدند که باید در ماه رمضان دل مومن همچون آیینه صاف و روشن باشد و از ناپاکی‌ها صیقل یابد.

اگرچه امروز استفاده از رسانه، ساعت‌های زنگدار و گوشی‌های همراه برای زمان دقیق افطار و سحر استفاده می‌شود اما در قدیم این رسم به شکل دیگری انجام می‌گرفت. از قدیم‌الایام، برای بیدارشدن در سحرهای ماه مبارک رمضان و تشخیص وقت دقیق سحر و انجام اعمال مخصوص از وسایل و روش‌های گوناگونی استفاده می کردند، بعضی از این روش‌ها امروزه نیز متداول و برخی منسوخ شده‌اند ازجمله نگاه‌کردن به ستارگان و محل آنها در آسمان، بانگ خروس، روشن کردن چراغ‌هایی در نقاط مرتفع شهر و گلدسته مساجد، صدای نقاره و طبل و شیپور، صدای مناجات از گلدسته‌های مساجد، جار کشیدن در کوچه‌ها، صدای بوق حمام‌ها و کوبیدن دیوار همسایه از شیوه‌های پیشینیان برای اعلام وقت شرعی بوده‌است.

در قدیم در این ماه با بانگ خروس و دیدن هشت ستاره متوجه سحر می‌شدند و در ساعات ظهر با فروکردن چوبی در خاک زمانی که سایه نداشت ظهر بود و زمانی که سایه داشت بعدازظهر بود و برای افطار هم به زبان محلی (مرغان جا گرفته‌اند) یا با دیدن سه ستاره متوجه زمان افطار می‌شدند.

هنگام افطار یک نفر از اهالی که عمدتا از نوجوانان روزه‌اولی بود در محله‌های مختلف روستا با رفتن به پشت‌بام بانگ افطار فرارسید (بخرید هووی بخرید؛ یعنی آهای بخورید افطارشده)، سر می‌داد و هنگام سحر هم با ضربه‌زدن به دیوار همسایه و به‌صدادرآوردن کوبه در خانه و نیز صدای طبل یا نقاره همدیگر را برای سحری بیدار می کردند، گاهی هم موذنان در روستاهای استان، با صدای نافذ و گیرایی، وقت سحر را بر پشت‌بام‌های منازل یا مساجد اعلام می کردند.

اگر نور یا صدایی از خانه‌ای نمی‌آمد، همسایه‌ها فکر می کردند که افراد آن خانه روزه نمی گیرند و گاه آنها را با اصطلاح «روزه‌خوار» خطاب می کردند.

زن‌ها پیش از افطار، مشغول آماده‌کردن افطاری می‌شوند و وسایل آب گرم و چای را هم آماده می کنند.

بر سر سفره افطار دعاهای مخصوص افطار خوانده می‌شود و با نوشیدن مقداری آب داغ یا خرما و نان جو روزه خود را می گشایند بعضی‌ها هم با قند یا نبات با آب‌داغ افطار می کنند. افطاری معمولا خوراکی‌های حاضری مثل نان، پنیر، سبزی، آش، هندوانه، خربزه و ماست محلی است و سحرها بیشتر پختنی و غذای گرم مثل چلو و خورش است.

ماه رمضان در کهگیلویه و بویراحمد ماه احسان، اطعام و تجدیددوستی‌هاست و اکثر خانواده‌ها، سعی می کنند حداقل برای یکبار در طول این ماه به افراد فامیل و نزدیکان، افطاری بدهند. افطاردادن به اندازه‌ای بین مردم استان جایگاه دارد که هریک سعی می کنند در این امر بر دیگری پیشی گیرند و دادن افطاری‌های جمعی، برای مستمندان در بیشتر مساجد شهری و روستایی استان در شب‌های ماه رمضان مرسوم است.

افطاردادن‌ها از هفته دوم ماه رمضان آغاز می‌شود که معمولا فقرا را به مراسم افطاری دعوت می کنند همچنین عشایر سعی می کنند به کسانی که از بضاعت مالی کمتری برخوردارند در این ماه کمک کنند و به صورت نوبتی خانواده‌ها هنگام افطار یا سحر سفره خود را با آنها تقسیم می کنند.

در این ماه به حرمت حضرت علی ابن ابی‌طالب(ع) معمولا مراسم عقد و عروسی بین مردم معمول نیست اما معتقدند، فراهم کردن مقدمات یک زندگی مشترک و مراسم بله‌برون در این ماه، پربرکت و میمون است.

از دیگر سنت‌های مرسوم در استان برگزاری آیین‌های حسنه ختم‌قرآن است. این سنت‌حسنه در جمع خانواده‌های یک روستا، محله و جمع دوستان مرسوم است و به‌صورت دوره‌ای مراسم افطاری و ختم قرآن در منزل شخصی یکی از افراد جمع برگزار می‌شود. نجوای سبحانک یا لااله الاانت، الغوث الغوث خلصنا من النار یارب که به گوش می‌رسد، نشان از شب‌های احیا در استان است که این نوا به‌ویژه در سیاه‌چادرهای عشایر و در دل صحرا جذاب‌تر هم می‌شود. در این شب‌ها مساجد، حسینیه‌ها و مصلاها و سیاه‌چادرهای عشایر همه از خیل مشتاقان وصال دوست و خریداران معرفت و تشنگان محبت و رحمت دوست آکنده و لبریز است، در این روزها و شب‌ها احسان و نیکوکاری مردم و خانواده‌های آنان به اوج خود می‌رسد. کودکان و نوجوانان نیز از این آداب و رسوم سنتی و معنوی سهمی برای خود دارند. آنها پابه‌پای بزرگان و والدین خود سحری می‌خورند و چون ظهر شرعی فرا می‌رسد، افطار زودهنگام می کنند که این نوع روزه نزد مردم استان به (کله‌بنگشتی یا کله‌گنجشکی) معروف است. در عصر روز آخر رمضان بسیاری از خانواده‌ها در بسیاری از شهرها و روستاها به زیارت اهل قبور رفته و نذر و احسان می کنند.

در آخرین شب ماه مبارک رمضان همه سعی می کنند هنگام اعلام عید در خانه‌های خود باشند تا فطریه‌شان به گردن کسی نیفتد. سرپرست خانواده با محاسبه میزان فطریه افراد آن را از قوت سالانه یا از پول توی جیب جدا کرده و در محل خاصی قرار می‌دهد، فطریه در روستاها و بین عشایر شامل آرد و گندم است که سرپرست خانواده آن را پشت در منزل قرار می‌دهد که در اولین فرصت به افراد فقیر و مستمند تحویل دهد. در برخی مناطق روستایی و شهری در روز پایانی ماه رمضان، بعد از ادای فریضه مغرب و عشا، آیین وداع با ماه رمضان برگزار می‌شود که این آیین شامل نمازهای مستحبی و دعاهاست.

عید سعید فطر جایی که عشایر نزدیک مسجد باشند، نماز عید فطر را برگزار می کنند و در زمان کوچ بزرگترها محلی را برای نماز در نظر می گیرند و به یکدیگر تبریک می گویند و در آخر جشن با شکوهی هم برگزار می‌شود. اما هلال ماه شوال که به بام آسمان نقش می‌بندد، حلول شوال و پایان رمضان حتمی است و فردایش عید فطر است و شادی و نشاطی دیگر، به شکرانه توفیق یک ماه روزه‌داری و منزلت در جوار محبت پروردگار، خانواده‌ها را دربر می گیرد. رفع کدورت در میان افراد یا قبایل با برگزاری مراسم آشتی‌کنان که ریش‌سفیدان انجام می‌دهند از دیگر رسومی است که در این ماه در استان انجام می‌شود.